



195

FAZKA

۱۳۸۲ / ۱ / ۳۰



دانشگاه کردستان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

وزارت اطلاعات آذربایجان  
تعمیرات

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد

۱۳۸۲ / ۱ / ۳۰

رشته زبان و ادبیات عرب

عنوان:

ترجمه و تحقیق بخش دوم تاریخ الادب العربی،  
عصرالدول و الامارات (العراق)

استاد راهنما: آقای دکتر ابراهیمی

استاد مشاور: آقای دکتر اطمینانی

نگارنده: منوچهر دویران

تابستان ۸۰

۴۵۶۲۵



ترجمه و تحقیق بخش دوم تاریخ الادب العربی،  
عصرالدول و الامارات (العراق)

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب.....

توسط :

.....

تصویب و ارزشیابی شده توسط کمیته پایان با درجه ۱۶/۵ (بسیار خوب) ..

آقای دکتر محمود ابراهیمی .. استاد راهنما و رئیس کمیته (محل امضاء ..)

آقای دکتر عباس اطمینانی (استاد مشاور ..) مرتبه استاذیار  
آقای دکتر سعید خرم هن (عضو هیات داوران) مرتبه استاذیار  
آقای دکتر جلال جلالی زاده .. (عضو هیات داوران) مرتبه استاذیار

دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه کردستان

ماه و سال خاتمه پایان نامه

مهرماه ۱۳۸۰

## تقدیر و تشکر:

اینک که به یاری یزدان پاک، تدوین این رساله به پایان رسیده است، بر خود واجب می دانم که مراتب قدردانی خود را به کلیه سروران گرامی که در این پژوهش، همکاری صمیمانه ای داشته اند، تقدیم نمایم.

نفست از استاد اندیشمند و فرهیخته، جناب آقای دکتر محمود ابراهیمی که راهنمایی این پایان نامه را تقبل فرمودند و اشکالات آن را جهت اصلاح، بر من روشن نمودند، از صمیم قلب سپاسگزاری می کنم، راهنمایی عالمانه و دلسوزانه ایشان چراغی است روشن فراراه بنده و همه طالبان علم و جویندگان دانش.

از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر اطمینانی که با اشراف و ارشاد مدبرانه خویش این جناب را یاری فرمودند تشکر و قدردانی می نمایم.

همچنین از اساتید ارجمند جناب آقای دکتر جلالی زاده و دکتر قرم دل نیز تشکر می نمایم.

## بیتالی

مجله چکیده پایان نامه‌های ایران  
مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

نام خانوادگی دانشجو: دویران	نام: منوچهر	
عنوان پایان نامه: ترجمه و تحقیق بخش دوم تاریخ الادب العربی عصر الدول و الامارات (العراق)		
استاد راهنما: آقای دکتر محمود ابراهیمی		
درجه تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: زبان و ادبیات عرب	گرایش: ادبیات
محل تحصیل (دانشگاه): کردستان		
دانشکده: ادبیات و علوم انسانی	تاریخ فارغ التحصیلی: مهر ماه ۸۰	تعداد صفحه: ۳۲۵
کلید واژه‌ها: (واژه‌هایی که بیانگر موضوع‌های پایان نامه است) تاریخ - ادبیات - عرب - عراق		
<b>چکیده:</b>		
<p>در این کتاب، نخست‌اوضاع سیاسی، تاریخی عراق مورد بررسی قرار گرفته و درباره حکومت‌ها و دولت‌هایی که در این سرزمین به حکومت رسیده‌اند، بحث شده و مطالبی درباره جامعه عراق که متشکل از سه طبقه اشراف، متوسط و فقیر بود، آورده شده و همچنین مسائل زیر مورد بررسی قرار گرفته: گسترش مذهب شیعه دوازده امامی، زهد و تصوف، جنبش‌های علمی و ایجاد دانشگاه نظامیه و مستنصریه در بغداد، وفور مدارس، توجه حاکمان و وزراء به دانشمندان و شاعران و تشکیل انجمن‌های علمی، پویایی فلسفه و علوم پایه و تألیف کتاب‌هایی در زمینه علوم مختلف و نگارش کتاب‌های تاریخی، فزونی مباحث زبان‌شناسی، نحوی، نقدی، پژوهش‌های اسلامی و تاریخی، ظهور شاعران زیاد در عراق و نظم رباعیات و موشحات و شاعران مدیحه‌سرا از جمله متنبتی و شاعران رثاء، هجاء و شکوه، شاعران غزل و پیدایش نوع جدیدی از شعر وجدانی، شاعران بی‌بندوبار، زهد، تصوف، مدایح نبوی، فلسفه و شعر تعلیمی و شاعران ملی‌گرا. تنوع نثر از جمله نثر فلسفی، علمی، مناظرات و وعظ، داستان، نامه‌های شخصی و دیوانی و ظهور نویسندگان برجسته این‌گونه نثرها.</p>		

## فهرست

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
.....	دیباچه
.....	<b>فصل اول - سیاست و جامعه</b>
۱.....	آل بویه، سلجوقیان و بنی عباس
۱۲.....	دولت‌های مغول، ترکمن، صفوی و عثمانی
۱۲.....	دولت مغول ایلخانی
۱۵.....	دولت تیموریان و ترکمنان
۱۹.....	دولت صفوی
۲۰.....	دولت عثمانی
۲۳.....	جامعه
۳۸.....	تشیع
۴۵.....	زهد و تصوف
.....	<b>فصل دوم - فرهنگ</b>
۵۳.....	جنبش علمی
۶۰.....	علوم پایه؛ فلسفه و مشارکت
۷۲.....	علوم زبان‌شناسی، نحو، بلاغت و نقد
۸۷.....	دانش‌های قراءات، تفسیر، حدیث، فقه و کلام
۱۰۱.....	تاریخ

## عنوان

## صفحه

۱۰۷	فصل سوم - بویایی شعر و شاعران
۱۰۷	شاعران فراوان این دوره
۱۱۱	رباعیات، تعقیدات و موشحات
۱۲۴	شاعران مدیحه سرا
۱۳۳	متنبی
۱۵۰	سبط ابن التعاویذی
۱۵۶	صفی‌الدین الحلّی
۱۶۳	شاعران مرثیه، هجاء و شکوه
۱۶۹	السریّ الرّفاء
۱۷۳	ابن القطن البغدادی
۱۷۸	شاعران شیعه
۱۸۲	الشریف الرّضی
۱۸۸	مهیار
۱۹۴	ابن ابی الحدید
۱۹۸	فصل چهارم - گروهی از شاعران
۱۹۸	شاعران غزل سرا
۲۰۵	ابن المعلم
۲۰۹	الحاجری
۲۱۴	التلعفری
۲۱۸	شاعران لهُو و بی بندوبار
۲۲۶	ابن سَکَره

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲۲۸.....	ابن الحجاج
۲۳۲.....	شاعران زهد، تصوف و مدایح پیامبر
۲۳۷.....	ابن سراج بغدادی
۲۴۰.....	المر تضى الشهرزورى
۲۴۴.....	الضصرى
۲۴۶.....	شاعران فلسفه و شعر تعلیمی
۲۴۹.....	ابن الشبل بغدادی
۲۵۳.....	ابن الهباریه
۲۵۵.....	شاعران ملی گرا
۲۶۳.....	الاحنف العکبرى
۲۶۵.....	<b>فصل پنجم - نثر و نویسندگان</b>
۲۶۵.....	تنوع نثر
۲۷۷.....	نویسندگان نامه‌های دیوانی
۲۸۱.....	ابواسحاق الصابى
۲۸۶.....	العلاءبن الموصلايا
۲۸۹.....	ضیاءالدين بن الاثير
۲۹۲.....	ابوحیان التوحیدی
۳۰۸.....	ابن مسکویه
۳۱۷.....	الحریری
۳۲۶.....	فهرست منابع و مأخذ



## دیباچه

جلد پنجم تاریخ ادبیات؛ تألیف شوقی ضیف، ویژه عربستان، عراق و ایران است. این جلد مربوط به سال ۳۳۴ تا دوره مغول می باشد، به عقیده مورخان این دوره به مدت سه قرن از عصر عباسی دوّم تا حمله مغول در سال ۶۵۶ به بغداد - که موجب نابودی شهرها و تمدن ها گردید - دوام داشت. مورخان، دوره اخیر را تا حمله عثمانی به مصر، شام و عراق، دوره مغول و دوره حکومت عثمانی ها را دوره عثمانی نامیدند. ولی همه اینها یک تصور اشتباه می باشد، زیرا قدرت خلافت عباسی ها از سال ۳۳۴، کم رنگ شد به طوری که فقط بغداد در دست عباسی ها مانده بود، چون آل بویه بر عراق، قمرطی ها بر بحرین و یمامه، حمدانی ها بر موصل و حلب، اخشید بر مصر و شام، فاطمی ها بر مغرب و آفریقا و عبدالرحمن ناصر بر اندلس حکومت می کردند و همچنین دولت های زیادی در یمن و اطراف شبه جزیره عربستان و سایر سرزمین ها به وجود آمدند، بنابراین درست نیست که سده های چهارم، پنجم و ششم تا نیمه قرن هفتم را دوره عباسی بنامیم یا سه قرن گذشته، به خاطر حمله مغول به بغداد، دوره مغول نامیده شود، زیرا حکومت مغول ها به ایران و عراق محدود می شد و به بقیه سرزمین های عربی تَسَرّی پیدا نکرد و قسمت اعظم شبه جزیره عربستان، شام، مصر، مغرب و اندلس، جزء قلمرو تاتار نبود. بنابراین بهتر است دوره مغول و عثمانی را بخشی از دوره الدول و الامارت در نظر بگیریم.

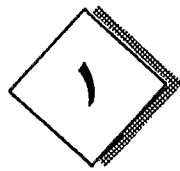
تقسیم شدن سرزمین عرب به قسمت های کوچک، از نتایج تلخ این دوره است. در واقع دوره الدول و الامارت در تاریخ ادب عربی، یک دوره طولانی است، ولی این طولانی بودن و تقسیم شدن سرزمین عرب، به منزله پراکندگی روحی و فکری در میان دولت ها و امارت ها نبود، بلکه همیشه یک اندیشه و احساس بر همه این امارت ها و دولت ها حاکم بود. گویی میهن عربی یکپارچه است، میهنی که پراکندگی و استقلال ها، هیچ گونه جدایی علمی و اختلاف ادبی در پی نداشت و در واقع افراد آن همچون یک خانواده بودند.

تاریخ نگاران هنگام نوشتن شرح حال دانشمندان، همه بزرگانی که در این سرزمین می زیستند، مدنظر داشتند. مثلاً زمانی که در زمینه تاریخچه علوم قرائت، نحو، فقه شافعی، مالکی، حنفی و حنبلی قلم فرسایی می کردند یا هنگامی که زندگی نامه شاعران را می نگاشتند، همه دانشمندان و شاعران عرب را شامل می شد. گویی آنان حدّ و مرز سیاسی و جغرافیایی را در میان کشورها و شهرها، کنار گذاشته اند و به نظر آنان، این حدّ و مرز یک پندار و گمان می باشد و موجب جدایی علمی و ادبی نمی شود. وقتی کتابی تألیف می شد، در اختیار همه دانشمندان عرب قرار می گرفت و همگی به شرح آن اقدام می کردند. همه این مسائل، نشانگر هم فکری و تفاهم مردم در دوره الدول و الامارت می باشد. این وحدت بر همه فنون ادبی حکم فرما بود.

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران  
تهیه مدارک

# فصل اول

## سیاست و جامعه



آل بویه، سلجوقیان و بنی عباس :

آل بویه،<sup>۱</sup> خانواده‌ای ایرانی بودند که نسبت آن‌ها به بویه می‌رسید. بویه ماهیگیری دیلمی بود که غالباً در دریای خزر، ماهیگیری می‌کرد و پسرانش علی، حسن و احمد در کنار او به جمع‌آوری هیزم مشغول می‌شدند. اما پس از این که به سلطنت رسیدند، مورخان از روی تملق و چاپلوسی، نسبت آن‌ها را به پادشاه ساسانی بهرام‌گور رساندند. بالاخره بویه و پسرانش به خدمت ماکان بن کاکي درآمدند، پس از پیروزی مرداویج زیاری حاکم گرگان بر ماکان بن کاکي، به او پیوستند و هنگامی که مرداویج در طبرستان با دولت زیدیه علوی وارد جنگ شد، از او طرفداری کردند.

مرداویج هم در سال ۳۲۰ هجری، علی را بر حکومت کرج واقع در جنوب شرقی همدان، گماشت. دیری نپائید

---

۱. رجوع شود به: تجارب الامم مسکویه و ذیل ابوشجاع، المنتظم ابن جوزی، تاریخ ابن اثیر و ابن خلدون، النجوم الزاهرة ابن تغری بردی، احسن التقاسیم مقدسی و ابن خلکان و جزء دوم کتاب الیقینة از ثعالبی، الفخری فی الأدب السلطانیة از ابن طباطبایا، الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری تألیف آدم میتز (چاپ قاهره) ص ۲۷ و بعد از آن، تاریخ الشعوب الاسلامیة تألیف بروکلیمان ص ۲۴۴، تاریخ الادب فی ایران من الفردوسی الی السعدی تألیف ادوارد براون ترجمه دکتر امین الشواربی و کلمه بویه در دایرة المعارف اسلامی.

که علی بر فارس و اَرجان تسلط یافت و شیراز را به پایتختی خود برگزید. پس از کشته شدن مردآویج در سال ۳۲۳، او و برادرش حسن، بر اصفهان ورّی که قلمرو مردآویج بود، دست یافتند، حسن عهده‌دار انجام امور آن دو سرزمین (ری و اصفهان) و الجبل شد، برادرشان احمد، کرمان را تصرف کرد. او پیوسته به سمت غرب پیشروی می‌کرد تا این که در سال ۳۶۶ به اهواز و سپس به واسط دست یافت. در این زمان، گرسنگی بغداد را تهدید می‌کرد. بخاطر ناتوانی خلیفه در پرداخت حقوق، سربازان تُرک علیه او و فرماندهشان شوریدند، بنابراین احمد دریافت که تمامی راه‌ها، برای ورود او به بغداد باز است. پس در جمادی‌الاولی سال ۳۳۴ آنجا را فتح کرد، خلیفه مستکفی بخاطر نجات‌جانش، از او استقبال کرد و او را به منصب امیرالامرائی برگزید و به وی لقب معزالدوله، به برادرش علی حاکم فارس و شیراز لقب عمادالدوله و به حسن حاکم سرزمین الجبل لقب رکن‌الدوله داد و القاب آنان را بر روی سکه حک کردند. در خطبه‌های نماز جمعه همراه با نام خلیفه از آنان نیز یاد شد. آل بویه، از آن زمان لقب‌های عالی را بر خود و وزیرانشان نسبت می‌دادند. معزالدوله، یک‌ماه پس از فتح بغداد، مستکفی را برکنار کرد و او را نابینا ساخت. بعد از او پسر عمویش المطیع‌الله به خلافت رسید. در زمان آل بویه، او و دیگر خلفای عباسی هیچ قدرت و نفوذی نداشتند و فقط در نماز جمعه از آنان یاد می‌شد و یا نامشان را بر سکه می‌زدند؛ همه کارها به دست آل بویه افتاد و برایشان به مقدار دلخواه خود، حقوق تعیین می‌کردند.

معزالدوله، همواره بر بغداد، عراق، اهواز و کرمان فرمانروایی می‌کرد، تا این که سال ۳۵۶ درگذشت و پسرش عزالدوله بختیار که فردی دلیر و شجاع بود تا جایی که گاو بزرگ را بلند می‌کرد، جانشین او شد؛ خلیفه الطائع در سال ۳۶۴ با دختر وی شاه زمان ازدواج کرد که هزار دینار مهریه‌اش بود. چون عمویش عمادالدوله، فرزندی نداشت پس از مرگ او در سال ۳۳۸ هجری، حکومت فارس بدست پسر عمویش عضدالدوله ابن رکن‌الدوله افتاد. رکن‌الدوله در سال ۳۶۵ درگذشت و سرزمین‌های فارس، کرمان، اَرجان و شیراز را به عضدالدوله، ری و اصفهان را به مؤیدالدوله، همدان و دینور را به برادرشان فخرالدوله واگذار کرد و عضدالدوله را رئیس برادرانش نمود. دیری نپائید که میانۀ او با پسر عمویش بختیار به هم خورد و با هم درگیر شدند، بختیار در شوال سال ۳۶۷ در آن جنگ کشته شد، بنابراین بغداد

و عراق جزء قلمرو عضدالدوله گردید.

عضدالدوله از بزرگترین پادشاهان آل بویه شد، زیرا در خاندان وی، هیچ کس به اندازه او نفوذ و قدرت نداشت. او اولین کسی است که در منبرهای بغداد بعد از خلفاء به نامش خطبه خوانده شد و در اسلام به شاهنشاه (شاهشاهان) ملقب شد و این لقب بعد از او در میان پادشاهان آل بویه معمول گشت، او فرد سنگدلی بود که وزیر ابن بقیه را زیر پای فیلان انداخت و او را به طرز فجیعی کشت. راهزن ها را به شدت سرکوب نمود و امنیت را در بیابان های کرمان و عربستان برقرار کرد و گرفتن عوارض از کاروان های حاجیان را حذف کرد. در سر راه کاروان های حج، چاه هایی ایجاد کرد و پیرامون شهر مدینه، حصار محکمی ساخت، دستور بازسازی خانه ها، بازارها و مساجد را صادر نمود. مردم را مجبور نمود تا خانه هایشان را محکم بسازند. به افراد تنگدست مخصوصاً کسانی که خانه هایشان در ساحل رود دجله قرار داشت، از بیت المال کمک کرد، به آبادانی باغ ها همت گماشت و ویرانه های بغداد را سرسبز کرد. کاشتن خرما را در بغداد رواج داد، به ساختن جویبارها و پل ها اهتمام ورزید، بازاری برای پارچه فروشان ایجاد نمود و بیمارستان بزرگی در بغداد ساخت و به دانشمندان حقوق پرداخت نمود، او سیاستمدار عادل بود که به حاکمان و کارگزاران اختیار کامل می داد، مستمری نیازمندان و تهیدستان را به طور مداوم پرداخت می کرد. ولی حکومت وی بر بغداد و عراق زیاد طول نکشید و در سال ۳۷۲ درگذشت. آندو بیش از پنج سال حکومت نکردند. او، قبل از مرگش، محدوده حکومتی خود را میان فرزندان شرف الدوله، صمصام الدوله و بهاء الدوله تقسیم کرده بود. آن تقسیم ثابت کرد که او نسبت به تباهی حکومت و فروپاشی امور آن بیمناک بود.

صمصام الدوله بر عراق فرمانروایی کرد، وزیرش ابو عبدالله بن سعدان دوست ابوحنیان، او را یاری کرد ولی کارش رونق نیافت. در سال ۳۷۶ برادرش شرف الدوله بر او غلبه کرد و بغداد را تصرف نموده و او را زندانی کرد. شرف الدوله نیز بعد از این که فرمانروایی بغداد و عراق را به برادرش بهاء الدوله واگذار نمود در سال ۳۷۹ درگذشت. بهاء الدوله تا زمان مرگش در سال ۴۰۳ همچنان بر عراق و بغداد فرمانروایی می کرد. به گفته مؤرخان، او فرد ستمگر و خونریزی بود، در سال ۳۸۱ خلیفه الطائع را دستگیر و او را از خلافت برکنار کرد و القادر بالله را جانشین او نمود، وی

درمیان پادشاهان آل بویه خیلی ستمکار و بداخلاق بود، می‌گویند او آنقدر ثروت گردآوری نمود که هیچ‌کس تا آن موقع، به اندازه او جمع‌آوری نکرده بود. قلمرو او بعد از مرگش میان چهار پسرش مشرف‌الدوله، قوام‌الدوله، جلال‌الدوله و ابوشجاع سلطان‌الدوله تقسیم شد. ابوشجاع، بعد از پدرش حاکم بغداد شد، حکومت او تا سال ۴۱۲ ادامه یافت تا این‌که کار برادرش مشرف‌الدوله بالا گرفت و در ماه محرم در بغداد خطبه به نام او خوانده شد و او را شاهنشاه خطاب کردند، دو برادر با صلح و دوستی آن سال را سپری کردند و نام سلطان‌الدوله دوباره در خطبه گفته شد. او در سال ۴۱۵ و برادرش مشرف‌الدوله در سال ۴۱۶ درگذشتند و تمام بغداد و عراق به دست برادرشان جلال‌الدوله افتاد، او ابوسعید بن ماکولا را به عنوان وزیر خود برگزید و به او لقب علم‌الدین سعدالدوله امین‌الملته شرف‌الملک داد. آن، نشانگر زیاده‌روی آل بویه در لقب‌دادن به افراد می‌باشد. حکومت جلال‌الدوله در سال ۴۳۵ با مرگش پایان یافت.

در دوره او، اوضاع کشور نابسامان بود به طوری که عیاران و دزدان در سال ۴۲۶ به راحتی بغداد را تصرف کردند. آنان کارهای زشتی انجام می‌دادند، اقتصاد بغداد را تباه کردند و این تباهی به حدی بود که جلال‌الدوله لباس، اثاثیه و وسایلیش را در بازار فروخت. به گفته ابن جوزی خانه او از پرده‌داران و پیش‌خدمتان خالی شد. ابوکالیجار پسر سلطان‌الدوله حاکم فارس و اهواز، جانشین او شد. او فردی شجاع، گستاخ و هوسران بود، در دوره او تجاوز سلجوقیان افزایش یافت تا جایی که قسمت‌های بیشتر ایران را تصرف کردند. او در سال ۴۴۰ دق مرگ شد و پسرش ابونصر ملقب به الملک الرحیم جانشین او شد. او به حدی بی‌لیاقت بود که یکی از فرماندهان ترک به نام بساسیری، هر نوع قدرت و اختیاری را از او سلب کرد. القائم بامرالله خلیفه عباسی خطر او را دریافت و تصمیم گرفت که مخفیانه به المستنصر خلیفه فاطمی مصر نامه بنویسد و از او راه کار بخواهد. از طرفی کار دولت سلجوقی به رهبری طغرل بیگ در خراسان بالا گرفت و خراسان و بخش بزرگی از ایران تسلیم او شدند، خلیفه به او نامه نوشت و از وی خواست که سال ۴۴۶ به بغداد برود و دستور داد به نام طغرل خطبه بخوانند و نام او را قبل از الملک الرحیم در سکه‌ها بزنند، دیری نپائید که او بغداد را تصرف کرد و به حکومت آل بویه پایان داد.

در میان پادشاهان آل بویه خیلی ستمکار و بداخلاق بود، می‌گویند او آنقدر ثروت گردآوری نمود که هیچ‌کس تا آن موقع، به اندازه او جمع‌آوری نکرده بود. قلمرو او بعد از مرگش میان چهار پسرش مشرف‌الدوله، قوام‌الدوله، جلال‌الدوله و ابوشجاع سلطان‌الدوله تقسیم شد. ابوشجاع، بعد از پدرش حاکم بغداد شد، حکومت او تا سال ۴۱۲ ادامه یافت تا این‌که کار برادرش مشرف‌الدوله بالا گرفت و در ماه محرم در بغداد خطبه به نام او خوانده شد و او را شاهنشاه خطاب کردند، دو برادر با صلح و دوستی آن سال را سپری کردند و نام سلطان‌الدوله دوباره در خطبه گفته شد. او در سال ۴۱۵ و برادرش مشرف‌الدوله در سال ۴۱۶ درگذشتند و تمام بغداد و عراق به دست برادرشان جلال‌الدوله افتاد، او ابوسعید بن ماکولا را به عنوان وزیر خود برگزید و به او لقب علم‌الدین سعدالدوله امین‌الملته شرف‌الملک داد. آن، نشانگر زیاده‌روی آل بویه در لقب‌دادن به افراد می‌باشد. حکومت جلال‌الدوله در سال ۴۳۵ با مرگش پایان یافت.

در دوره او، اوضاع کشور نابسامان بود به طوری که عیاران و دزدان در سال ۴۲۶ به راحتی بغداد را تصرف کردند. آنان کارهای زشتی انجام می‌دادند، اقتصاد بغداد را تباه کردند و این تباهی به حدی بود که جلال‌الدوله لباس، اثاثیه و وسایلیش را در بازار فروخت. به گفته ابن جوزی خانه او از پرده‌داران و پیش‌خدمتان خالی شد. ابوکالیجار پسر سلطان‌الدوله حاکم فارس و اهواز، جانشین او شد. او فردی شجاع، گستاخ و هوسران بود، در دوره او تجاوز سلجوقیان افزایش یافت تا جایی که قسمت‌های بیشتر ایران را تصرف کردند. او در سال ۴۴۰ دق مرگ شد و پسرش ابونصر ملقب به الملک‌الرحیم جانشین او شد. او به حدی بی‌لیاقت بود که یکی از فرماندهان ترک به نام بساسیری، هر نوع قدرت و اختیاری را از او سلب کرد. القائم‌بامرالله خلیفه عباسی خطر او را دریافت و تصمیم گرفت که مخفیانه به المستنصر خلیفه فاطمی مصر نامه بنویسد و از او راه کار بخواهد. از طرفی کار دولت سلجوقی به رهبری طغرل بیگ در خراسان بالا گرفت و خراسان و بخش بزرگی از ایران تسلیم او شدند، خلیفه به او نامه نوشت و از وی خواست که سال ۴۴۶ به بغداد برود و دستور داد به نام طغرل خطبه بخوانند و نام او را قبل از الملک‌الرحیم در سکه‌ها بزنند، دیری نپایید که او بغداد را تصرف کرد و به حکومت آل بویه پایان داد.

سلجوقیان<sup>۱</sup> شاخه‌ای از ترک‌های غُز بودند که به رهبری رئیسشان سلجوق از سال ۴۲۰ هجری در مرزهای شمال و شرق ایران چپاولگری می‌کردند، از ترکستان به سرزمین ماوراءالنهر آمدند، نزدیکی بخاری را به‌عنوان قشلاق و سمرقند را به‌عنوان بیلاق برگزیدند. سلجوق اسلام سنی را پذیرفت و قبیله‌اش از او پیروی کردند. می‌گویند سلطان محمود غزنوی به آنها دستور داد تا در محدوده سرزمین‌های بخاری ساکن شوند. ولی او از آنان بیمناک بود بنابر این دستور دستگیری اسرائیل فرزند سلجوق را صادر نمود، او را در قلعه‌ای در هند زندانی کرد و در همان جا، جان سپرد و محمود نیز در همان زمان درگذشت.

سلجوقیان در اندیشه قیام بودند، بنابراین اول به بخاری هجوم آوردند و سپاهیان مسعود پسر محمود را شکست دادند، طغرل بیگ در تابستان سال ۴۳۰ در خراسان، پادشاهی خود را اعلام کرد و مرو و نیشابور نیز به حکم او گردن نهادند، با درگذشت مسعود در سال ۴۳۳، آنها توانستند بر بقیه خراسان، طبرستان، هرات و بُست دست یابند. طغرل هرکدام از برادران و پسر عموهایش را به حکمرانی سرزمین‌های تحت سلطه خود گماشت و ری را پایتخت خود کرد. خلیفه قائم بامرالله از او یاری خواست تا بغداد را همچون گذشته حفظ کند با وارد شدن او به بغداد در سال ۴۴۷، بساسیری از آنجا به طرف شمال گریخت و طغرل بیگ او را تا موصل دنبال کرد ولی از ادامه تعقیب او منصرف شد. خلیفه به او خلعت ارزشمندی داد و در کنارش بر تخت نشاند. طغرل بیگ با برادر ناتنی خود به نام ابراهیم بن ینال که در همدان علیه او شوریده بود وارد جنگ شد، در این زمان بساسیری نیز از فرصت استفاده کرد و با یکی از امیران بنی عقیل به نام قریش بن بدران همدست شد و بغداد را تصرف نمود و به خطیبان فرمان داد که خطبه را به نام المستنصر خلیفه فاطمی بخوانند و در همه شهرهای تحت تسلط خود نیز همان کار را کردند. بساسیری خلیفه را از بغداد به یکی از شهرهای الجزیره به نام عانته تبعید کرد، ولی طولی نکشید که طغرل به بغداد بازگشت و خلیفه را

---

۱. درباره سلجوقیان رجوع شود به تاریخ ابن اثیر، ابن طباطبا، ابن خلدون و ابن تغری بردی، کتاب راحة الصدور فی تاریخ الدولة السلجوقیة تألیف راوندی و ترجمه دکتر ابراهیم امین الشواربی و دکتر عبدالنعیم حسنین (چاپ قاهره) و مجموعه مطالب متعلق به تاریخ سلجوقیان که هوسمادریلین منتشر کرده، تاریخ دولة آل سلجوق تألیف عماد اصفهانی (مختصر البنداری)، وفیات الاعیان ابن خلکان در شرح پادشاهان آن سلسله، تاریخ الادب فی ایران من الفردوسی الی السعدی (ترجمه دکتر ابراهیم امین الشواربی) و سلاجقه ایران و عراق از دکتر عبدالنعیم حسنین (چاپ قاهره) و تاریخ الشعوب الاسلامیه بروکلان ص ۲۷۱ و ماده سلاجقه در دائرة المعارف الاسلامیة